

وحدت کلمه رمز پیروزی است

هیچ جمله‌ای نمی‌توانست بار مصیبت و اندوه پدران و مادران جوان از دست داده را سبک کند؛ همان‌هایی که بعد از 14 سال مبارزه انقلاب‌شان در 12 بهمن 57 به ثمر رسید، اما همدردی و تسلیت پدر دلسوخته و جوان از دست داده؛ رهبری عارف و وارسته که توانست غم ملتش را درک کند، مرحمی بر دل این خانواده‌ها گذاشت.

**امام خمینی**

هیچ جمله‌ای نمی‌توانست بار مصیبت و اندوه پدران و مادران جوان از دست داده را سبک کند؛ همان‌هایی که بعد از 14 سال مبارزه انقلاب‌شان در 12 بهمن 57 به ثمر رسید، اما همدردی و تسلیت پدر دلسوخته و جوان از دست داده؛ رهبری عارف و وارسته که توانست غم ملتش را درک کند، مرحمی بر دل این خانواده‌ها گذاشت.

به گزارش ایسنا، امروز دوازدهم بهمن چهل و دومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی است. انقلابی که به قول یاسر عرفات، رهبر فقید جنبش فتح فلسطین «انفجار نور» بود و میشل فوکو اندیشمند فرانسوی آن را افسانه‌ای دانست که رنگ واقعیت گرفت. محمدعلی آبرآویز، خالق سرودهای انقلابی نیز عمیق‌ترین مفاهیم انسانی و اخلاقی را در قالب اشعائر و سروده‌هایش تقدیم رهبر و ملتی کرد که مردمش بهتر از ملت حجاز و کوفه و عراق در عهد رسول الله، امیرالمؤمنین و حسین بن علی بودند.

بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران پس از 14 سال تبعید و دوری از وطن صبح روز 12 بهمن 1357 در میان کم نظیرترین استقبال تاریخ ایران و جهان، وارد فرودگاه مهرآباد شد و در اولین سخن از همه طبقات از کارمندان، کارگران، دهقانان، جوانان اساتید و دانشجویان، روحانیون، بازرگانان و کسبه و قضات و وکلای دادگستری تشکر کرد. ایشان سپس در میان شور و شوق میلیون‌ها نفر از مردم تهران به بهشت زهرا رفت و خود را در غم از دست دادن پدرها، مادرها و جوانان‌هایی که جان‌شان را در سالهای مبارزه تقدیم انقلاب اسلامی کرده بودند، شریک دانست.

امام (ره) در بهشت زهرا گفتند: «در این مدت مصیبت‌ها دیدیم. مصیبت‌های بسیار بزرگ، و بعضی پیروزی‌ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبت‌های زن‌های جوان مُرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل‌های پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولادشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی بر دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم از عهده این خسارتهای که بر ملت ما وارد شد، برآیم. من نمی‌توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید.»

امام خمینی (ره) با طرح این پرسش که مگر این ملت چه می‌گفت و چه می‌گوید که از آن وقتی که صدایش درآمد محکوم به قتل و غارت شد، بیان کردند: «ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه‌گذاری شد، برخلاف قوانین بود. مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با زور سرنیزه تأسیس شد. ملت هیچ دخالتی نداشت، پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود. سرنوشت هر ملتی دست خودش است.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی پس از تسلیت به خانواده شهدای انقلاب و تشکر از همراهی همه آحاد مردم در طول سالهای مبارزه به تشریح اصلی‌ترین دلیل به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی پرداختند و «وحدت کلمه» را نتیجه پیروزی مردم دانستند.

ایشان تأکید کردند: «وحدت کلمه مسلمانان - همه، وحدت کلمه اقلیت‌های مذهبی با مسلمین، وحدت دانشگاه و مدرسه علمی، وحدت طبقه روحانی و جناح سیاسی. باید همه این‌ها را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است و این رمز پیروزی را از دست ندهیم و - خدای نخواست - شیاطین بین صفوف ما تفرقه نیندازند.»

بنیانگذار جمهوری اسلامی 10 روز قبل از طلوع پیروزی انقلاب در 22 بهمن 1357 «شرط» پیروزی کامل انقلاب ایران را کوتاه شدن دست اجانب از کشور و قطع ریشه‌های رژیم سلطنتی از این مرز و بوم دانستند.

امام (ره) با نامشروع و غیرقانونی دانستن رژیم پهلوی و دولت بختیار تأکید کردند که «اگر به کارشان ادامه بدهند، مجرمند و باید محاکمه شوند و ما آنها را محاکمه می‌کنیم.» ایشان سپس به پشتوانه مردم کشور، گفتند: «من دولت تعیین می‌کنم، من تو دهن این دولت می‌زنم. من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم. من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد، دولت تعیین می‌کنم.»

توجه رهبر فقید انقلاب اسلامی به ارتشیان نیز قابل اهمیت است. ایشان خطاب به ارتش متذکر شدند: «من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و آن این که ما می خواهیم که شما مستقل باشید؛ ما داریم زحمت می کشیم، ما خون دادیم، جوان دادیم، حیثیت و آبرو دادیم، مشایخ ما حبس رفتند، زجر کشیدند، می خواهیم که ارتش ما مستقل باشد. آقای ارتشید، شما نمی خواهید، آقای سرلشکر، شما نمی خواهید مستقل باشید؟ شما می خواهید نوکر باشید؟ من به شما نصیحت می کنم که بیاید در آغوش ملت؛ همان که ملت می گوید، بگویید. بگویید ما باید مستقل باشیم. ملت می گوید ارتش باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای امریکا و اجنبی باشد؛ شما هم بیاید - ما برای خاطر شما این حرف را می زنیم - شما هم بیاید برای خاطر خودتان این حرف را بزنید، بگویید: ما می خواهیم مستقل باشیم، ما نمی خواهیم این مستشارها باشند. ما که این حرف را می زنیم که ارتش باید مستقل باشد، جزای ما این است که بریزید توی خیابان، خون جوان های ما را بریزید که چرا می گوید من باید مستقل باشم، ما می خواهیم تو آقا باشی.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی سپس تاکید کردند: «از نظر ملت بزرگ ایران، شورای سلطنتی و مجلسین و دولت ناشی از آنها غیرقانونی و فاقد اعتبار ملی است و چون ارتش از ملت و ملت از ارتش است و پشتیبانی هر یک از دیگری از وظایف ملی است، لازم است به احترام ملت و رأی قاطع آن، ارتش خود را از دولت غاصب برکنار کند و این مطلب را اعلام کند. اینجانب به واسطه رهبری مبتنی بر حکم شرع و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت، دولت موقت را برای تشکیل مجلس مؤسسان و دیگر امور مقدماتی معرفی می کنم تا ارتش محترم به وظیفه قانونی و ملی خود رفتار نماید و ان شاءالله تعالی به ناسامانی ها و آشفتگی ها خاتمه داده شود. مطمئن باشید در صورتی که به وظیفه ملی و قانونی خود عمل نمایید، ملت و دولت ناشی از آن، در احترام و پشتیبانی شما کوشا خواهد بود.»

امام خمینی (ره) متذکر شدند: «لازم به تذکر نیست که در این موقع حساس و خطیر، اختلاف کلمه موجب انهدام ارکان کشور خواهد شد و همه ما مسؤول آن هستیم.»

بنیانگذار انقلاب اسلامی در جمع اعضای کمیته مراسم استقبال هم یادآور شدند که «تا اراده خدای تبارک و تعالی نباشد برای بشر امکان ندارد که به یک همچو وحدت کلمه ای برسد.»

ایشان ادامه دادند: «شما که در ایران بودید بهتر می دانید که در سرتاسر ایران، از آن دهات تا مرکز، همه یک دل و یک صدا این خاندان را طرد کردند. بچه هایی که تازه زبان درآوردند با جوان ها و پیرمردها همه هم صدا شدند. دست خدا با جماعت است. برادرهای من، این وحدت کلمه را حفظ کنید. رمز پیروزی شما وحدت کلمه است، اختلاف را کنار بگذارید. من بزرگترین پیروزی را آشتی بین دانشگاه و مدارس علمی (حوزه های علمیه) می دانم. اگر ما هیچ پیروزی پیدا نکرده بودیم الا همین معنا که بین دانشگاه و طبقه روحانی نزدیک کردیم و تفاهم حاصل شد ... و این دست خیانتی که سالهای طولانی جدایی انداخته بود بین این دو طبقه قطع شد.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی با بیان اینکه آنها می خواستند که ملت را از هم جدا کنند و تمام هستی ملت را ببرند و خود ملت را باز به هم بریزند و از مصالح شان غافل شوند، بیان داشتند: «شما ملت ایران ثابت کردید که با وحدت کلمه، دست اجانب را قطع کردید، دست این شاه ظالم، دست این محمدرضای ظالم را که می خواستند تمام هستی ما را به باد فنا بدهد، قطع کردید. الان هم بعضی از کسانی که با او ارتباط دارند و با صورت های خیلی ظاهرالصلاح پیش آمدند، به اصطلاح «ملی» پیش آمده اند. اینها هم می خواهند همان منافع اجانب را به این صورت حفظ کنند. خود محمدرضا هم این ادعاها را می کرد، به قرآن کریم تمسک می کرد، به آزادی زن و مرد تمسک می کرد، آزادزان و آزادمردان می گفت، لکن همه حيله بود. حالا هم که «ملیت» گفته می شود و «ملت» گفته می شود، و اینکه آزادی می دهیم و فلان برنامه را حذف می کنیم، فلان برنامه را زیاد می کنیم - تمام اینها حيله است و ملت باید بیدار باشد و بداند و این حيله ها را خنثی کند.»

موضع اندیشمندان، سیاستمداران و رسانه های غربی نسبت به امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار فقیدش مرزهای جغرافیایی و انسانی را در نوردیدند و جهان شمول شدند. متفکران و سیاستمداران غرب و شرق بیش از ملت های شان از انقلاب دینی و اخلاقی ایران شوک زده شدند. آنان در هندسه فکری و بینشی خود هرگز جایگاهی برای دین و تاثیر عمیق و شگرف آن بر بشر باز نکرده بودند و حالا به چشم و گوش خود می دیدند و می شنیدند که انقلاب اسلامی ایران و رهبر فرزانه اش چگونه توانست با اتکاء به مبداء هستی اعتقادات، اخلاقیات و استعدادهای انسانی را در جهت تحول و استقلال فکری و بینشی در مسیر شکوفایی و دگرگونی

قرار دهد و توجه افکار عمومی جهان را متوجه خود کند.

دانیل پاییز، رئیس انجمن سیاست خارجی و از معروفترین روزنامه نگاران و نویسندگان صهیونیست آمریکا که از چهره های مشهور اسلام ستیزی این کشور است، وقتی به انقلاب اسلامی و بنیانگذار فقیدش می رسد، می گوید: باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم ولی از این پس برای ما آمریکایی ها ضروری است که زمینه ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم کنیم و به طور خاص در زمینه اندیشه، اعتقادات، خط مشی و هدف امام خمینی تحقیقاتی انجام دهیم. نمی توان از تأثیرات اندیشه امام خمینی بر جهان به راحتی گذشت و دنیای غرب به دلیل نفوذ افکار امام خمینی بار دیگر اسلام را کشف کرد و این ما آمریکایی ها را با مشکل مواجه می کند.

میشل فوکو، فیلسوف مارکسیست فرانسوی در تحلیل عمق تأثیر اندیشه امام خمینی بر مردم ایران گفت: روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می شود که ایرانی ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند. به جز باورهای دینی هیچ عامل دیگری قدرت بسیج این چنین توده ها را ندارد. این مذهب تشییع است که با تکیه بر موضع انتقادی خود توانسته این چنین بسیج سیاسی به راه اندازد. شخصیت آیت الله خمینی پهلو به افسانه می زند زیرا هیچ رییس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه های دنیا نمی تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد.

الوین لویس تافلر، از معروف ترین آینده پژوهان آمریکایی و نویسنده کتاب موج سوم نیز به نقش مذهب در شکل گیری انقلاب اسلامی اشاره کرد و افزود: این که کدام کشور بر جهان قرن 21 مسلط خواهد شد، سوال مهیجی است اما در واقع طرح این سوال اشتباه است زیرا بزرگ ترین تحول امروز جهان ظهور پدیده ای جدید، یعنی نیرو و قدرتی ماورای دولت های ملی است که نمونه عینی آن «خمینی» است. او با استفاده از نیروی مذهب بخش قابل توجهی از قدرتی را که مدتها در انحصار دولت های ملی بود در کنترل خود گرفت.

پروفسور کلاوس کینتسلر، استاد کرسی اصول الهیات در دانشگاه آوگسبورگ آلمان در کتاب «بنیادگرایی دینی» خود نوشت: از سال های دهه هفتاد میلادی، اصطلاح «بنیادگرایی» بر جریان هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می شوند، اطلاق شد. در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری خمینی می شود که این نهضت پس از ایران، بسیاری از کشورهای اسلامی را در نوردید. این رنسانس اسلامی در نهایت برای همگان و بیش از همه، برای جهان غرب شگفت انگیز و غافلگیرانه بود زیرا در غرب تا آن زمان تصور می شد که در نتیجه تجاوزات واقعا بی رحمانه قدرتهای استعماری و امپریالیستی به کشورهای اسلامی و عربی در سده 19 میلادی، آیین اسلام دستخوش لیبرالیسم و تعصب شده بود.

وی ادامه داد: مفهوم بنیادگرایی با فعال شدن نیروی سیاسی آیین اسلام در کشور شیعی ایران خمینی، معنی و سنخیت جدیدی یافت که مشخصه آن، سیاسی شدن دین اسلام است. گروههایی از اهل تسنن نیز در سودان، پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی از این نوع بنیادگرایی هستند. هدف این گونه بنیادگرایی، استقرار یک حکومت دینی (دولت الهی) بر روی زمین است که در حال حاضر به شکل احیای شریعت اسلامی بروز کرده و پایبندی و انقیاد دقیق این سنخ بنیادگرایی به تعالیم قرآنی که از الزامات آن است، در بسیاری از کشورهای اسلامی منجر به طرد سرسختانه کلیه انواع نفوذ عقل گرایانه و لیبرالی غربی شده است.

هیات محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش نیز در کتاب نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا، نوشت: همزمان با سقوط رژیم شاه و آغاز حکومت خمینی در ایران یک تجدید حیات اسلامی در پیمانهای وسیع و غیرقابل انتظاری آغاز شد که طی مدت زمان کوتاهی، تأثیرات بسیار مهم سیاسی و فرهنگی خویش را بر سراسر جهان اسلام به نحوی وارد کرد که هرگز قابل پیش بینی نبود. بی تردید این نهضت تجدید حیات اسلامی چنان با شخصیت خمینی گره خورد که وی به عنوان سمبل و مظهر «بیداری اسلامی» شناخته شد. همزمان با طلوع سیاسی خمینی، دین اسلام به مهمترین نیروی موجد انگیزه برای رویدادهای سیاسی مبدل شد.

به اعتقاد هنری کسینجر، مشاور رییس جمهور آمریکا در دهه 70 «آیت الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه ریزی را از سیاستمداران و نظریه پردازان سیاسی گرفت. هیچ کس نمی توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده دنیا سخن می گفت و عمل می کرد. گویی از جای دیگر الهام می گرفت. دشمنی آیت الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.

هنری پرشت، کاردار سیاسی نظامی سفارت امریکا طی سال‌های 1972 تا 1978 نیز در وصف شخصیت امام خمینی (ره)، گفت: تردیدی نیست که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود. کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه او نه تنها در ایران بلکه در جهان داشت، برخوردار باشد و توجه قدرت‌های بزرگ را تا به این حد متوجه خود کند. به گمان من مورخین روزی نشان خواهند داد که او مردی بود که شخصیتش به خوبی درک نشد.

به باور رادیو دولتی امریکا «در ده سال گذشته، آیت‌الله خمینی امریکا را بارها با ناتوانی مواجه ساخت و در این مورد به امریکا درس داد و رییس‌جمهور امریکا را با ناامیدی روبرو کرد. شاید تا به حال در هیچ دوره‌ای از سال‌های اخیر برنامه ریزان سیاسی امریکا با چنین وضعی روبرو نشده بودند که کشوری در مقابل نفوذ نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا مصونیت داشته باشد.»

هفته‌نامه اکونومیست هم نوشت: امام خمینی برای پیروانش سمبل خلوص، قدرت و عزم برای مبارزه با دشمنان اسلام بود که وی آنها را در قالب هجوم ارزش‌های فرهنگی و سیاسی غرب می‌دید و برای دشمنانش یک بنیادگرای آشتی‌ناپذیر بود.

تایمز لندن در توصیف شخصیت بنیانگذار انقلاب اسلامی نوشت: خمینی مردی بود که توده‌ها را با کلام خود مسحور کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و به طرفداران فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می‌بخشید. این احساس آنان را قادر ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستد از بین ببرند. وی به مردم نشان داد که حتی می‌توان در برابر قدرت‌هایی مثل امریکا ایستاد و نهراسید.

از دیدگاه شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی «آنچه در ایران در سال 1979 رخ داد نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول گرای مذهب‌خبر می‌دهد. در سراسر جهان پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندوها نیز به اصول‌گرایی مذهبی روی آوردند حتی در ترکیه نیز که 70 سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود، روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفت.»

هفته‌نامه آبزور هم معتقد بود: امام خمینی مردی هم‌پای پیامبران کهن است که دنیا را به پیروی از اصول دینی دعوت کرد. پیام وی برای مردم جهان خلوص عقیده و پیروی از سادگی در مقابل پیچیدگی و آلودگی‌های غرب بود و این رمز موفقیت وی و احساس افتخار پیروان اوست.

روزنامه هرالد تریبون هم درباره شخصیت امام خمینی (ره) نوشت: آیت‌الله خمینی یک انقلابی‌خستگی‌ناپذیر بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پی‌ریزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند. آیت‌الله خمینی در آنچه برای سرزمین باستانی‌اش می‌خواست لحظه‌ای درنگ نکرد. وی خود را مأمور می‌دانست که می‌باید ایران را از آنچه فساد و انحطاط غرب می‌دید پاک کند و خلوص اسلامی را به ملت بازگرداند.